

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه بحث گذشته

بحث ما در مسئله 52 از مسائل استطاعت در تحریر الوسيله است که به مناسبت، این مباحثی که به صورت متفرقه مربوط به حقوق مرد بر زن و حقوق زن بر مرد بوده یک بخشی را متعرض شدیم. حال به اصل مسئله برمی گردیم. گفتیم در این مسئله فروعی وجود دارد:

1. فرع اول این بود که در حج واجب اذن شوهر لازم نیست، ادله اش را عرض کردیم و تکرار نمی کنیم.

2. فرع دوم این است که شوهر حق ندارد و جایز نیست زوجه را از رفتن به حج واجب منع کند، یعنی نه تنها اذن لازم نیست، بلکه «لا يجوز منعها».

ادله عدم جواز منع زوج نسبت به انجام حج واجب زوجه

دلیل اول

در اینجا روایتی در وسائل الشیعه جلد 11 صفحه 157 وارد شده که روایت مرسله است:

مُحَمَّدُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْمُفِيدُ فِي الْمُقْنَعَةِ قَالَ: سُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمَرْأَةِ تَجِبُ عَلَيْهَا حَجَّةُ الْإِسْلَامِ يَمْنَعُهَا زَوْجُهَا مِنْ ذَلِكَ أَوْ عَلَيْهَا الْإِمْتِنَاعُ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْسَ لِلزَّوْجِ مَنَعُهَا مِنْ حَجَّةِ الْإِسْلَامِ وَإِنْ خَالَفَتْهُ وَخَرَجَتْ لَمْ يَكُنْ عَلَيْهَا حَرَجٌ.^[1]

زنی حجة الاسلام برایش واجب است اما شوهرش منعش می کند، حضرت می فرماید: زوج حق ندارد منع کند و اگر زن مخالفت کند و اینجا از شوهرش اطاعت نکند و برای حج از خانه خارج شود حرجی بر او نیست. زوج مسلماً حق منع ندارد ولی اگر منع کرد آیا کار حرامی انجام داده؟ می گوید من اجازه نمی دهم تو به حج بروی، آیا خود این یک عمل حرامی برای این مرد است. تا اینجا مسلم است که این منعش کالعدم است.

دلیل دوم: قاعده «لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق»

قاعده ای در فقه داریم که «لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق» که این قاعده را شیخ صدوق¹ در من لا يحضر آورده از فضل بن شاذان نقل می کند. فضل بن شاذان می گوید: «فیما کتبه الامام علیه السلام إلى مأمون»، در آنجا حضرت رضا علیه السلامین را فرموده که «لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق»^[2]. در نهج البلاغه نیز در حکمت 165 این تعبیر آمده است. در

چند جای کتاب وسائل الشیعه نیز آمده است^[3]. در اینجا بگوئیم اگر زن به حج نرود معصیت خالق می‌شود، اگر شوهر گفت تو حج نرو، چون مستلزم معصیت خالق است «لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق».

بررسی ارشادی بودن یا مولوی بودن قاعده

اینجا یک بحث این است که این «لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق» آیا یک حکم مولوی شرعی است یا اینکه یک حکم عقلی است؟ چون حاکم در باب اطاعت و معصیت عقل است، این هم یکی از همان شئون حکم عقل است، عقل می‌گوید شما باید از خدای تبارک و تعالی اطاعت کنید و اگر اطاعت غیر خدا مستلزم معصیت خدا شد «لا طاعة لمخلوق».

ارزیابی دیدگاه محقق خوئی

محقق خوئی در جلد 26 موسوعه صفحه 44 می‌فرماید: این «لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق» ارشاد به حکم عقل و یک حکم ارشادی است و بیان یک حکم شرعی مولوی نیست.

به نظر می‌رسد که اینطور نباشد، شارع یک مواردی در میان مخلوقین را اطاعتشان را واجب کرده، اطاعت پدر و مادر واجب است، حالا قید می‌زند می‌گوید: اگر اطاعت پدر و مادر مستلزم معصیت خالق شد (پدر یا مادر به فرزندش امر کند که شراب بخور، دروغ بگو، این کار حرام را انجام بده)، بگوئیم استثنا می‌زند و می‌گوید مواردی که اطاعت مخلوق مستلزم معصیت الخالق است شامل آن موارد وجوب اطاعت نیست.

دیدگاه محقق خوانساری

مرحوم خوانساری در کتاب جامع المدارک یک حرف دیگری دارد و می‌فرماید: این «لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق» برای جایی است که اطاعة المخلوق اطاعة الخالق نباشد، اما اگر در جایی شارع گفته این اطاعة المخلوق اطاعة الخالق است آنجا معصية الخالق نمی‌شود و اگر شوهر امر کرد یا منع کرد از رفتن به حج، اینجا زوج را اطاعت می‌کند، زوج را که اطاعت می‌کند می‌گوئیم اطاعة الزوجة اطاعة الله، نمی‌توانیم به این «لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق» تمسک کنیم؛ یعنی در حقیقت می‌فرماید این قاعده «لا طاعة لمخلوق» در جایی است که اطاعت مخلوق اطاعة الله نباشد، اما در جایی که اطاعت مخلوق اطاعة الله است از این قاعده خارج است.

صاحب جامع المدارک می‌گوید: «المرسلة ناظرة إلى ما لم تكن اطاعة المخلوق اطاعة الله ايضاً»؛ در جایی که اطاعت مخلوق اطاعت خدا نباشد، «و فی مثل المقام من الزوجة و المولى تكون اطاعة الزوجة و العبد اطاعة الله لأنها واجبة من قبل الشرع»؛ خود اطاعت زوج، اطاعت مولا من قبل الشرع واجب است، «فهو خارجٌ عن المرسلة». ما الآن می‌خواهیم به این مرسله تمسک کنیم در جایی که زوج زوجه را از حج رفتن منع کرده و بگوئیم «لا طاعة لمخلوق فی معصية الخالق»، اگر گفتیم مورد این روایت و این قاعده در جایی است که اطاعت مخلوق عین اطاعت خدا نباشد در حالی که مورد بحث ما در زوج است و اطاعة الزوج اطاعة الله است؛ یعنی می‌گویند در این گونه موارد موضوعی برای معصية الله محقق نمی‌شود یعنی اگر الآن زن تبعیت کرد از شوهرش و این تبعیت می‌کند این اطاعة الله است و وقتی اطاعة الله شد معصية الله معنا ندارد.^[4]

اشکالات والد معظم

مرحوم والد ما در تفصیل الشریعه در کتاب الحج می‌فرمایند این فرمایش محقق خوانساری چند اشکال دارد:

اشکال اول

اشکال اول این است که فقها به همین «لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق»، به موارد اطاعت مولا هم تمسک کرده و گفته‌اند: اگر یک مولایی به عبدش اذن داد و گفت حج برو، عبد هم رفت و محرم شد و در اثناء حج مولا بخواهد از اذنش برگردد، بگوید حجّات را رها کن و برگرد، اینجا گفتند «لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق»، خود فقها به همین مورد مولا در اینجا تمسک کردند.

اشکال دوم

اشکال دوم این است که «لا معنی لحمل المرسلّة» بر موارد اطاعت غیر واجب؛ یعنی طبق بیان صاحب جامع المدارک باید بگوئیم در جایی که اطاعت مخلوق واجب نیست، مثلاً می‌گوئیم اطاعت ابوبن نیست، اطاعت زوج نیست، اطاعت مولا نیست، باید روایت را حمل کنیم بر موارد اطاعت غیر واجبه، که اطاعت آنها اطاعت الله نباشد، اما ایشان می‌فرماید لا معنی برای این حمل.^[5]

ارزیابی اشکالات

به نظر ما این اشکال تمامی است که بگوئیم شما یک افرادی که اصلاً اطاعتشان واجب نیست، بگوئیم اگر اینها به شما گفتند دروغ بگو «لا طاعة لمخلوق في معصية الخالق». به بیان دیگر، صاحب جامع المدارک این لا طاعة را می‌گوید اگر یک مخلوقی ولو اطاعتش بر شما واجب نیست یک آدم معمولی است، آمد به شما گفت این کار حرام را انجام بده، به هیچ وجه نباید از او تبعیت کنی، وقتی مستلزم معصیت الخالق است نباید تبعیت کنی. مرحوم والد ما می‌فرمایند لازمه این مسئله این است که این را حمل کنیم بر اطاعات غیر واجبه، در حالی که ظاهر روایت اطاعت واجبه است.

یعنی «لا طاعة لمخلوق» که اطاعت آن مخلوق واجب است، اگر یک جایی یک مخلوقی امر کرد و اطاعتش واجب است اگر اینجا بخواهد امر به حرام کند استثنا می‌خورد، اینجا اطاعت واجب نیست. ایشان می‌فرماید: «فالمراد أنّه لا طاعة لمخلوق فيما تجب اطاعته في نفسه»؛ یعنی باید مورد قاعده را بیاوریم بر آن اطاعت‌هایی که واجب است. بگوئیم در این اطاعاتی که واجب است اگر متعلق اطاعت معصية الله شد از دایره اطاعات واجبه خارج می‌شود. عرض کردم به نظر ما این بیان تام است یعنی هم اشکال اول و هم اشکال دوم که فرمودند وارد است.

نتیجه این می‌شود که فرمایش جامع المدارک کنار می‌رود و در مواردی که شارع اطاعت را واجب کرده خود شارع تخصیص می‌زند؛ یعنی با این بیان فرمایش محقق خوئی هم تام نیست. خود شارع تخصیص می‌زند و می‌گوید: این موارد را من بر شما اطاعتش را واجب کردم، اما هر جا مستلزم معصیت من شد من می‌گویم آنجا اطاعتشان واجب نیست و جایز هم نیست.

یعنی اگر اطاعت کردی کار حرامی هم کردی، عقل این را نمی‌گوید که اگر این کار انجام بشود کار حرامی شده، عقل می‌گوید اینجا در دایره اطاعت نیست، اما «لا طاعة لمخلوق» فقط مجرد نفی الاطاعة من حيث الموضوع نیست، می‌گوئیم لازم نیست اطاعت کنی بلکه من حيث الحكم می‌گوید: اگر این کار را کردی کار حرامی کردی، اگر مخلوقی آمد به شما گفت خمر بخور، شما هم خوردی کار حرامی انجام دادی، اگر اطاعتش کردی، و چون چنین مطلبی هست بعید است که بتوانیم این روایت را حمل بر یک معنای ارشادی عقلی کنیم.

ما یک ادله‌ای داریم «اطاعة الاب و الام واجبة، اطاعة المولى واجبة، اطاعة الزوج واجبة»، یک دلیل که حاکم بر همه این ادله است می‌گوید «لا طاعة لمخلوق»، شما ببینید لا طاعة خودش قرینه روشنی است، یعنی لا طاعة در جایی که «تجب الاطاعة لا طاعة»، حق نداری اطاعت کنی، در جایی که فی معصية الخالق باشد. پس نتیجه‌ای که گرفتیم این است که این قاعده را نمی‌شود گفت که یک حکم ارشادی است.

به نظر ما این دلیل تام است و فرمایش صاحب جامع المدارک و مرحوم خوئی درست نیست. لذا در نامه امام هشتم علیه السلام حضرت اول می‌فرماید: «و برّ الوالدین واجبٌ و إن کانا مشرکین»؛ احسان به پدر و مادر واجب است ولو مشرک باشند، این تخصیص نمی‌خورد، بعد «ولا طاعة لهما فی معصية الخالق»؛ اگر اینها امر کردند خمر بخور، اگر گفتند کفر بورز، اگر اکراه کنند یا بگویند تو باید کافر شوی، «لا طاعة لهما فی معصية الخالق»، این معنایش همین است که عرض کردیم و روشن است.

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِهِ الطَّاهِرِينَ

-
- [1]. المقنعة - ٧٠؛ وسائل الشیعه، ج 11، ص 156، ح ١٤٥١٦.
 - [2]. عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج 2، ص: 124، باب 35، ح 1.
 - [3]. وسائل الشیعه، ج 11، ص 157، ح 14517؛ ج 15، ص 174، ح 20226.
 - [4]. «ثانیهما ما ینظر من صاحب «جامع المدارک» من ان المرسلۃ ناظرۃ الی ما لم تکن إطاعة المخلوق إطاعة لله تعالیٰ أيضا و فی مثل المقام من الزوج و المولیٰ تكون إطاعة الزوجة و العبد إطاعة له تعالیٰ لأنها واجبة من قبل الشرع فهو خارج عن المرسلۃ.» تفصیل الشریعه (کتاب الحج)، ج 1، ص 324.
 - [5]. «و یدفعه - مضافا الی استناد الفقهاء إليها فی موارد وجوب الإطاعة مثل ما إذا اذن المولیٰ لعبده فی الحج ثم رجع فی أثناء الحج عن اذنه و فی غیره - انه لا معنی لحمل المرسلۃ علی موارد الإطاعة غیر الواجبة فإنه لا معنی لان تكون الإطاعة الکذائبة مقدمة علی إطاعة الخالق و ارتکاب معصية بل الظاهر هی الإطاعة الواجبة مع قطع النظر عن معصية الخالق فالمراد انه لا طاعة لمخلوق فیما تجب إطاعته فی نفسه إذا كانت مستلزمة لمعصية الخالق فالإنصاف تمامية الاستدلال بالمرسلۃ لعدم اشتراط مثل حج النذر و الحج الاستیجاری بإذن الزوج فتدبر.» همان.